

کشمکش جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان به کجا خواهد رسید؟

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

طی هجده ماه گذشته، تشدید تدریجی تنش‌های میان جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران ادامه داشته است. ترکیبی از علی‌هم‌چون درگیری‌های دیپلماتیک و مانورهای نظامی در امتداد مرز، روابط بین این دو کشور را رو به تیرگی برده است. از دید مقامات جمهوری آذربایجان، مواضع ایران نسبت به مناطق جنوبی آن کشور خطرناک است، و جمهوری اسلامی ایران با نزدیک شدن باکو به رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی، به‌ویژه اسرائیل، سایه تهدید را احساس می‌کند. بدون تغییر در این نسبت‌ها، روابط می‌تواند بدتر شود و تنش‌ها به‌طور مهارگسیخته‌ای بالا بگیرد.

با تداوم و تشدید تنش‌ها بین ایران و جمهوری آذربایجان و در پی صدور بیانیه‌ای از سوی ۲۱۰ نماینده مجلس ایران و درخواست آن‌ها از دولت ابراهیم رئیسی مبنی بر اتخاذ «اقدامات لازم» علیه افتتاح سفارت اسرائیل در باکو، متقابلاً شماری از نمایندگان مجلس ملی آذربایجان نیز طی بیانیه‌ای رویکرد «مداخله‌جویانه» ایران در امور داخلی جمهوری آذربایجان را محکوم کردند. به گزارش خبرگزاری آذربایجانی «ترند»، بختیار علی‌اف، رییس کمیته علمی و آموزشی مجلس ملی آذربایجان، جمعه ۱۸ فروردین، گفت: «در طول ۳۰ سال اشغال اراضی آذربایجان، مقامات ایران یک بار هم که شده علیه ارمنستان که سرزمین‌های آذربایجان را اشغال کرده، نسل‌کشی خوجالی و ده‌ها نسل‌کشی انجام داده، هیچ اظهارنظری نکرده، برعکس روابط دیپلماتیک و همکاری نظامی خود را با ارمنستان گسترش داده است.»

علی‌اف، هم‌چنین تأکید کرد: «بدین ترتیب ایران بار دیگر نشان داده که در جنایت جنگی مرتکب شده علیه مردم آذربایجان شریک است. بنابراین، مردم آذربایجان، آن‌هایی که به اجبار مجبور به خروج از سرزمین‌های اشغالی شدند، از جمله آوارگان اخراج شده از ارمنستان، این بیانیه ناعادلانه مجلس ایران را به شدت محکوم می‌کنند.»

مجلس ایران دو روز پیش، در بیانیه‌ای که به امضای ۲۱۰ نفر از نمایندگان مجلس ایران رسیده، افتتاح سفارت و معرفی سفیر جمهوری آذربایجان در اسرائیل را محکوم کرده و از حکومت ایران خواستند تا در این باره «اقدامات لازم» را انجام دهد. در این بیانیه افتتاح سفارت آذربایجان در اسرائیل «ضد منافع اسلام» عنوان شده بود.

ایران که از همکاری و گسترش روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل به شدت نگران است در ماه‌های گذشته نیروهای زرهی ارتش و سپاه پاسداران را تحت عنوان انجام رزمایش در مرزهای شمالی و در مجاورت با خاک جمهوری آذربایجان مستقر کرده و هم‌چنان به تهدیدها و تنش‌های لفظی علیه دولت آذربایجان ادامه می‌دهد.

جمهوری اسلامی ایران، هم‌چنین از پیشروی نیروهای آذربایجانی در رویارویی با ارمنستان در مناقشه قره‌باغ و احتمال مسدود شدن مسیر ارتباطی خود با اروپا از طریق ارمنستان نگران است و آن را به عنوان خطر قرمز خود در منطقه قفقاز تعیین کرده است.



صاحبه غفاراوا، رییس پارلمان و نمایندگان پارلمان آذربایجان

در پی صدور بیانیه محکومیت رفتارهای «مداخله‌جویانه ایران»، آذر باداموف، نماینده مجلس آذربایجان نیز در نشست روز جمعه مجلس ملی این کشور، گفت: «ایران نمی‌تواند توسعه موفقیت‌آمیز و نفوذ فزاینده آذربایجان را هضم کند. ایران نباید به آذربایجان بگوید که چه کاری انجام دهد. آذربایجان یک کشور مستقل است و می‌داند که چگونه روابط خود را بسازد. مجلس ایران بهتر است از اقدامات ضداسلامی و خیانت‌کارانه خود دست بردارد. به جای برقراری روابط نزدیک با ارمنه که به اسلام توهین می‌کنند، باید از ارزش‌های اسلامی دفاع کند.»

هم‌چنین، نظامی جعفروف، از دیگر نمایندگان مجلس ملی آذربایجان نیز در سخنرانی خود در صحن مجلس، روز جمعه هجدهم فروردین گفت: «موضع ایران از دیرباز شناخته شده است. ما مواضع ایران را در زمان اشغال اراضی آذربایجان می‌دانستیم. هیچ کشوری به اندازه ایران به اسلام خیانت نمی‌کند. ایران حقوق آذربایجانی‌ها برای زندگی را زیر پا می‌گذارد.»

او هم‌چنین تاکید کرد: «ایران نباید در سیاست ما در قبال اسرائیل دخالت کند. آذربایجان هنگام برقراری روابط با سایر کشورها با کسی مشورت نمی‌کند و نخواهد کرد. ما دوستی از اسرائیل و خیانت از ایران دیده‌ایم.»

روابط تهران و باکو اخیراً و به دنبال تهدیدهای متقابل به‌طور فزاینده‌ای تنش‌آلود شده است و در سایه این تیرگی روابط، در هفته‌های اخیر ده‌ها شهروند جمهوری آذربایجان به اتهام همکاری با ایران و تلاش برای تضعیف ثبات کشورشان، بازداشت شده‌اند. پنج‌شنبه، هفدهم فروردین، وزارت کشور و سرویس‌های امنیتی جمهوری آذربایجان در بیانیه‌ای مدعی شدند که تلاش عوامل ایران برای انجام کودتا علیه دولت آذربایجان را خنثی کرده‌اند.

ساعاتی پس از آن نیز، وزارت خارجه این کشور از اخراج ۴ تن از دیپلمات‌های ایران از خاک جمهوری آذربایجان خبر داد. اسامی دیپلمات‌های اخراج‌شده ایرانی عبارتند: میرمهدی میرسلام پورشریف؛ قربانعلی پورمرجان ورجوی؛ هادی مقدم؛ اصغر بهاری خوش‌منظر.

روند وخامت و پیچیدگی این مناقشه، در مهر ۱۴۰۰، تنها چند هفته بعد از روی کار آمدن ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور اسلامی ایران، پس از تنش‌ها در پی مانورهای نظامی متقابل در مرز شروع شد. ایران رزمایش‌هایی را در استان‌های شمال‌غربی‌اش، که عمدتاً محل زندگی آذری‌هاست، انجام داد، در حالی که آذربایجان مانورهای مشترکی را با پاکستان و ترکیه برگزار کرد. از آن زمان، برگزاری رزمایش‌ها و عملیات‌های بیش‌تر در نزدیکی مرز، روابط دو کشور را به مرحله خطرناک‌تری ارتقا داده است.



دیدار ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور اسلامی ایران، با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان؛ عشق‌آباد، ترکمنستان، ۷ آذر ۱۴۰۰

روابط این دو کشور با حمله مسلحانه روز ۷ بهمن ۱۴۰۱ به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران، که در آن یک شهروند ایرانی مسلح به تفنگ جنگی، مسئول حفاظت سفارت را کشت و دو تن دیگر را مجروح کرد، تیره‌تر شد.

روایت جمهوری اسلامی در رابطه با حمله مسلحانه به سفارت آذربایجان در تهران، با روایت جمهوری اسلامی آذربایجان بسیار متفاوت و متناقض است. روایت مقامات جمهوری اسلامی این است که ادعا دارند فردی به نام «یاسین حسین‌زاده» که ظاهراً همسرش آذربایجانی بوده، ساعت ۸:۳۰ صبح روز جمعه ۷ بهمن ۱۴۰۱، مسلح به سلاح کلاشینکف به سمت سفارت باکو در تهران حمله می‌کند که در نتیجه آن «اورخان عسگروف» رئیس حراست سفارت باکو کشته و دو نفر دیگر زخمی می‌شوند.

اما روایت مقامات آذربایجان این است که این یک حمله تروریستی بوده است به‌طوری که حتی نگهبان ایرانی دم در سفارت نیز هیچ عکس‌العملی در مقابل فرد مسلح انجام نداده است.

فیلم‌های منتشرشده از سوی دولت آذربایجان نشان می‌دهد ضارب لحظاتی قبل از حمله برای پلیس جمهوری اسلامی ایران دست تکان می‌دهد که احساسات ضدایرانی را در این کشور به طرز چشم‌گیری افزایش داده است. سخن‌گوی وزارت امور خارجه آذربایجان این اقدام را یک «حمله تروریستی سازمان‌یافته» نامید.

البته ضرورت دارد که روابط نزدیک و تنگاتنگ باکو و تل‌آویو را نیز در معادلات منطقه در نظر بگیریم. آذربایجان و اسرائیل روابط بسیار نزدیکی اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک دارند و این مسئله هم برای مقامات جمهوری اسلامی ایران، چندان قابل هضم نیست. اکنون نه باکو و نه تهران نسبت به ترمیم روابط دوجانبه به این زودی‌ها خوشبین نیستند.

سخنان اخیر الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، شاید برای بسیاری مایه تعجب بود، اما نگاهی به وقایع دو سال اخیر و به‌خصوص پس از جنگ آذربایجان و ارمنستان و بحران‌های موجود در مسئله کریدور ایران و ارمنستان، نشان می‌دهد این تقابل چندان هم عجیب نیست. به خصوص در طول جنگ‌های طولانی آذربایجان و ارمنستان، همواره طرف ارمنستان را گرفته است. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی در جهت صدور «پان‌اسلامیسم»، به‌طور سیستماتیک تلاش کرده است تا جمهوری لائیک آذربایجان سرنگون شود و جای آن را یک حکومت شیعی مذهب هم‌چون جمهوری اسلامی بگیرد.

روابط ایران و جمهوری آذربایجان طی ماه‌های گذشته، به‌ویژه پس از حمله مسلحانه به سفارت این کشور در تهران، به شدت متشنج شده است.

وزارت دفاع جمهوری آذربایجان ادعای اخیر فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران درباره حضور «اسرائیل و نیروهای داعش» در خاک جمهوری آذربایجان را «افترا و مضحک» خواند.

این بیانیه که روز پنج‌شنبه ۱۰ فروردین ۱۴۰۲ در سایت وزارت دفاع جمهوری آذربایجان منتشر شد، می‌افزاید: «ما به ریشخند است، مقام نظامی ارشد کشوری که خود حامی تروریسم است و نامش در کشورهای مختلف با ترور گره خورده، چنین اتهاماتی علیه جمهوری آذربایجان مطرح می‌کند.»

کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش اخیراً مدعی شده بود که در قفقاز چند موضوع بسیار حساس وجود دارد، از جمله «حضور عناصر رژیم صهیونیستی در داخل مرزهای جمهوری آذربایجان.»

او افزوده بود: «مشکل دیگر، حضور تروریست‌های سوریه است که در جریان جنگ باکو و ارمنستان به منطقه دعوت شده‌اند. ایران هیچ مدرک معتبری دال بر خروج این عناصر از منطقه ندارد و مسئله دیگر تغییر مرزهای ژئوپولیتیک است.»

جمهوری اسلامی ایران، چنین ادعایی را در آغاز جنگ قره‌باغ در پاییز ۱۳۹۹ نیز مطرح کرده بود؛ موضوعی که جمهوری آذربایجان به شدت آن را رد کرد و خواستار ارائه شواهد از طرف ایران شد. جمهوری آذربایجان، هم‌چنین بارها اعلام کرده که هیچ پایگاه نظامی خارجی در خاک این کشور وجود ندارد.

بیانیه وزارت دفاع آذربایجان در ادامه گفته است برای سه دهه که بخشی از خاک کشور توسط ارمنستان اشغال شده بود و بیش از ۱۳۰ کیلومتر از مرزهای ایران و آذربایجان در کنترل ارمنستان بود، جمهوری اسلامی نه تنها به تغییر مرزها اعتراض نکرد، بلکه «روابط برادری» با ارمنستان را نیز تقویت کرد.

در ادامه تشدید تنش‌ها میان دو کشور همسایه ایران و جمهوری آذربایجان، ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، بار دیگر به بازگشایی سفارت جمهوری آذربایجان در خاک اسرائیل که برای اولین بار از زمان آغاز روابط دیپلماتیک دو کشور اتفاق می‌افتد، واکنش نشان داد.

کنعانی بخش‌هایی از سخنان الی کوهن، وزیر خارجه اسرائیل که در کنار همتای آذربایجانی‌اش از «تشکیل جبهه متحد علیه ایران» خبر داده بود را منتشر کرد و نوشت: «از دولت آذربایجان خواستیم در مورد سخنان وزیر خارجه رژیم صهیونیستی مبنی بر توافق با آذربایجان برای «تشکیل جبهه متحد علیه ایران» توضیح دهد...»

آیهان حاجی‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه آذربایجان نیز به انتقادهای کنعانی واکنش نشان داد و اعلام کرد که جیحون بایراموف، وزیر امور خارجه آذربایجان، در نشست خبری خود با همتای اسرائیلی خود الی کوهن «هیچ اظهارنظری علیه ایران نکرده است» و آذربایجان هرگز اجازه نداده از خاک سرزمینش علیه کشورهای ثالث استفاده شود.

حاجی‌زاده، هم‌چنین تأکید کرد که تحقیقات اولیه در ماجرای حمله مسلحانه به فاضل مصطفی، رهبر حزب نظام بزرگ و نماینده مجلس آذربایجان، حکایت از «دست داشتن ایران» در این ماجرا دارد.

فاضل مصطفی که گفته می‌شود دیدگاه‌های ضد جمهوری اسلامی دارد، در ۲۸ مارس ۲۰۲۳ مقابل خانه‌اش هدف یک حمله مسلحانه قرار گرفت و زخمی شد.

خبرگزاری آنا تولی ترکیه نوشت که آیهان حاجی‌زاده در اظهارات اخیر خود «حمله تروریستی به سفارت جمهوری آذربایجان در ایران، رزمایش و انجام پروازهای نظامی ایران در مرز دو کشور، اظهارات ضدآذربایجانی مقامات ایرانی، ضبط و انتشار ویدئوهای تهدیدآمیز در نزدیکی پل خداآفرین و حمله مسلحانه به سفارت آذربایجان» را از جمله «تهدیدات و تحریکات ایران علیه جمهوری آذربایجان» برشمرده است.

آیهان حاجی‌زاده، هم‌چنین با بیان این که «برادری دو کشور ایران و ارمنستان تهدیدی علیه کل منطقه است» گفت که «ایران در ۳۰ سال گذشته اشغال اراضی آذربایجان را نادیده گرفته و به اشغال و غارت قره‌باغ و شرق زنگزور، فروش سنگ‌های خانه‌های این منطقه در بازارهای ایران و تخریب ۶۵ مسجد از ۶۷ مسجد منطقه اهمیتی نداده است.»

او هشدار داد که سخنان کنعانی، گام بعدی برای بحرانی کردن روابط جمهوری آذربایجان و ایران است و این که این تهدیدات تهران هرگز نمی‌تواند آذربایجان را بترساند.

صبح روز هفتم دی‌ماه ۱۴۰۱ سفارت جمهوری آذربایجان در تهران مورد حمله مسلحانه قرار گرفت در نتیجه این حمله، یک کشته و دو زخمی بود. با دستگیری ۱۹ نفر مظنون به سازماندهی حملات در آذربایجان توسط سرویس‌های امنیتی آذربایجان آغاز باز هم تیره‌تر شد. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی هم ادعا کرد عنصر اصلی هدایت‌کننده حمله به شاهچراغ نیز یک تبعه آذربایجان است.

وزارت امور خارجه آذربایجان پس از احضار سفیر جمهوری اسلامی، اعلام کرد چهار کارمند سفارت ایران را به دلیل فعالیت‌هایشان «عنصر نامطلوب» شناخته و اخراج کرده است. با افزایش تنش بین دو کشور، باکو هم‌چنین از دستگیری شش فرد مرتبط با جمهوری اسلامی به اتهام تلاش برای کودتای نظامی خبر داد.

بر اساس بیانیه‌ای که روز پنج‌شنبه ۱۷ فروردین از سوی وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان منتشر شده، عباس موسوی، سفیر جمهوری اسلامی، به این وزارت‌خانه فرا خوانده شده و مراتب «نارضایتی شدید» باکو به او ابلاغ شده است.

این نارضایتی به گفته وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان، به دلیل «اقدامات تحریک آمیز اخیر ایران در قبال آذربایجان» است. این وزارتخانه، هم چنین خبر داد چهار نفر از کارکنان سفارت ایران در باکو به دلیل «عملکرد منافی شان دیپلماتیک و مغایر با کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک»، «عنصر نامطلوب» شناخته شده‌اند و باکو از آن‌ها خواست تا ظرف ۴۸ ساعت خاک جمهوری آذربایجان را ترک کنند.

این خبر در حالی از سوی وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان منتشر شده که سه روز پیش و در ۱۴ فروردین هم آبخان حاجی‌زاده، سخن‌گوی این وزارتخانه، در پی «ارسال یک یادداشت دیپلماتیک ایران به آذربایجان»، از احضار سفیر ایران در باکو خبر داده بود. بر اساس این اطلاعیه، مقام‌های وزارت امور خارجه آذربایجان با احضار موسوی، به او گفته‌اند یادداشت مذکور درباره مطالب منتشر شده در رسانه‌های آذربایجانی، حاوی مطالب «توهین‌آمیز، نادرست، افترا و غرض‌آلود» بوده است.

هم چنین به سفیر ایران ابلاغ شده که «اقدامات یک‌جانبه طرف ایرانی همواره باعث به وجود آمدن سوءتفاهم در روابط دو کشور شده و اقدامات خیرخواهانه طرف آذربایجانی به حد کافی از سوی ایران پاسخ داده نشده است.»

مناسبات باکو و تهران در چند ماه گذشته چندان دوستانه نبوده اما سرعت افزایش اختلافات میان دو کشور پس از حمله یک مرد مسلح ایرانی به سفارت آذربایجان در تهران در روز هفتم بهمن سال گذشته بیش‌تر شد و تعطیلی سفارت این کشور در تهران را به دنبال داشت. این تنش‌ها با اعلام رسمی خبر گشایش سفارت جمهوری آذربایجان در اسرائیل در روز نهم فروردین امسال تشدید شد.

الی کوهن، وزیر امور خارجه اسرائیل در پیامی توییتی از دیدار با جیحون بایراموف، وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان در تل‌آویو خبر داد و گفت برای اولین بار پس از ۳۰ سال روابط دو طرف، نماینده جمهوری آذربایجان وارد اسرائیل شده و سفارت دائمی خود را در این کشور افتتاح کرده است.

این اقدام واکنش مقامات رسمی جمهوری اسلامی را در پی داشت و اوایل هفته جاری، ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، درباره گسترش روابط دیپلماتیک باکو و تل‌آویو گفت: «از دولت آذربایجان خواستیم در مورد سخنان وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی مبنی بر توافق با آذربایجان برای تشکیل جبهه متحد علیه ایران توضیح دهد.»

کنعانی یک روز قبل از آن یعنی روز ۱۱ فروردین هم اظهارات وزیر امور خارجه آذربایجان را در مورد محتوای گفت‌وگوهایش با طرف اسرائیلی درباره «مرحله جدید شراکت استراتژیک» باکو و تل‌آویو، تأیید ضمنی «جهت‌گیری ضدایرانی همکاری‌های آن‌ها» دانسته بود.

تاکید کنعانی بر مواضع «ضد ایرانی» اسرائیل و تأیید آن از سوی آذربایجان اشاره به سخنان کوهن در دیدار با بایراموف بود. او با اشاره به «تهدیدهای یکسانی» که باکو و تل‌آویو با آن روبه‌رو هستند، تأکید کرده بود «درک دو کشور از تهدیدات ایران مشترک است.»

علاوه بر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، ۲۱۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم با انتشار بیانیه‌ای افتتاح سفارت جمهوری آذربایجان در اسرائیل را محکوم کرده و با تهدید باکو به «تبعات سیاسی» این تصمیم، دولت این کشور را «شریک جرم رژیم صهیونیستی در قتل و جنایت علیه فلسطینیان مظلوم» خواندند.

هم‌زمان با این تنش‌ها بر سر روابط دوستانه بین باکو و تل‌آویو، فاضل مصطفی، یکی از نماینده‌های مجلس جمهوری آذربایجان که مخالف نفوذ ایران در کشورش است، هدف یک ترور و سوءقصد نافرجام قرار گرفت. سوءقصدی که باکو آن را به عوامل مرتبط با جمهوری اسلامی نسبت داد و وزارت کشور آذربایجان هم روز ۱۴ فروردین از بازداشت چند نفر در ارتباط با این حمله خبر داد.

روز ۱۴ فروردین هم وزارت کشور و سرویس امنیتی جمهوری آذربایجان با انتشار بیانیه‌ای مشترک درباره «بازداشت شش مرد در ارتباط با سرویس اطلاعاتی ایران» گفتند هدف این افراد «کودتای نظامی» در باکو بوده است.

بر اساس این بیانیه، این افراد در راستای تبلیغات حمایت از ایران برای رادیکالیسم مذهبی فعال بوده‌اند. به گفته مقامات دولت باکو، این افراد از سوی «سرویس‌های مخفی ایران» برای «پی‌نهایت کردن اوضاع در آذربایجان» و ایجاد یک حکومت مذهبی در این کشور استخدام شده بودند و هزینه اقدامات خود را از طریق قاچاق مواد مخدر تأمین می‌کردند.

اوایل فروردین ماه امسال هم وزارت دفاع آذربایجان در پاسخ به اظهارات فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در خصوص حضور «اسرائیل و داعش» در خاک آذربایجان، بیانیه‌ای تند صادر و اظهارات کیومرث حیدری را تکذیب کرد.

مجموعه به هم پیوسته درگیری‌های لفظی و اتهام‌هایی که مقام‌های جمهوری اسلامی و جمهوری آذربایجان به یکدیگر نسبت می‌دهند، نشان می‌دهد تنش میان تهران و باکو وخامت بیش‌تری پیدا کرده است.

اما تقابل‌ها، رقابت‌ها و حتی دشمنی‌های جمهوری اسلامی با جمهوری آذربایجان، یک پدیده تازه نیست و قدمتش به بعد از فروپاشی شوروی سابق و تشکیل یک کشور دیگر به نام جمهوری آذربایجان می‌رسد.

جمهوری آذربایجان با این که دولت سکولار و غیرمذهبی دارد، اما اکثریت شیعه در جمعیت این کشور، موجب شده که دولت باکو روابطی پرتنش با حکومت شیعی تهران تجربه کند.

در عراق، نمونه بارز شیعیان مخالف سلطه تهران بر جهان شیعی، جریان صدر است که در سال گذشته، اختلافاتش با جناح‌های شیعی عراقی تحت حمایت جمهوری اسلامی، حکمرانی در بغداد را به بن‌بست رسانیده بود.

هم‌چنین در سال‌های اخیر و هم‌زمان با اعتراضات گسترده در لبنان، تقابل دو رویکرد تشیع ملی و تشیع فراملی در این کشور هم نمایان شده است.

اکنون در برخی از شهرها و مناطق شیعه‌نشین لبنان صداهای مخالف گروه شبه‌نظامی شیعی حزب‌الله تحت حمایت جمهوری اسلامی بلندتر شده است.

در حالی که در گذشته، جنبش‌های اعتراضی شیعی رویای یک «جهان شیعی» و «پان‌اسلامیسم» یک پارچه را در سر می‌پروراندند، این جنبش‌ها اکنون جهت عکس خود را طی می‌کنند و شعارهای «ملی‌گرایانه» می‌دهند.

تشکیل جمهوری اسلامی به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت شیعی در منطقه در اواخر قرن بیستم و اتخاذ سیاست صدور «پان‌اسلامیسم» از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی ایران، گرچه در ابتدا به موتور محرک برای جنبش‌های شیعی منطقه تبدیل شد، اما به مرور به ضد اتحاد در جهان شیعه عمل کرده است.

پس از جنگ اخیر قره‌باغ که آذربایجان توانست بخش‌هایی از خاک این منطقه را به سرزمین خود بازگرداند، تنش‌ها در روابط جمهوری اسلامی و جمهوری آذربایجان بار دیگر بالا گرفته و به تازگی دستگاه اطلاعاتی باکو از بازداشت کسانی به ظن داشتن در ترور نافرجام یک نماینده پارلمان جمهوری آذربایجان خبر داده است.

فاضل مصطفی نماینده‌ای که هدف این ترور قرار گرفته بود از منتقدان سرسخت جمهوری اسلامی است. بر اساس اطلاعاتی که درباره هویت این مظنونان منتشر شده، آنان بارها به ایران سفر کرده‌اند، با نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در تماس بوده‌اند و حتی آذر ساریجانوف که به عنوان سازمان‌دهنده اصلی این ترور معرفی شده، سال‌ها در قم در کلاس‌های دینی شرکت کرده است.

این اولین بار نیست که جمهوری آذربایجان از بازداشت عوامل وابسته به جمهوری اسلامی خبر می‌دهد. به‌عنوان نمونه، کم‌تر از دو سال پیش نیز، نیروهای امنیتی جمهوری آذربایجان چند روحانی تحصیل‌کرده در قم از جمله اهل‌ایمان رستم‌اف، روحانی مسجد «حاجی جواد» باکو را بازداشت کردند.

هم‌چنین این اولین بار نیست که حمله‌ای مسلحانه در جمهوری اسلامی به طرفداران جمهوری اسلامی نسبت داده می‌شود و حتی در مورد قتل رافق تقی، روزنامه‌نگار اهل جمهوری آذربایجان، روحانیون شیعه ساکن ایران علناً حکم قتل او را صادر کردند.

واقعیت آن است که از همان زمان اعلام استقلال جمهوری آذربایجان در سی‌ام اوت ۱۹۹۱ از شوروی، گرچه روابط باکو و تهران همیشه خصمانه نبوده، اما این دو هرگز دوستان قابل اطمینانی برای یکدیگر نیز نبوده‌اند.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی می‌توانست به نزدیک شدن دو کشوری که زمانی یک سرزمین بودند بیانجامد، اما نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی به جمهوری آذربایجان، زمینه‌های نگرانی‌ها را در باکو گسترش داد.

در همان ماه‌های آغازین پس از اعلام استقلال جمهوری آذربایجان، زمانی که جمهوری اسلامی دولت ایاز مطلب‌اف، اولین رییس‌جمهور آذربایجان پس از استقلال را به رسمیت شناخت، امید داشت که این جمهوری تازه‌استقلال یافته نیز پذیرای سریع اصول انقلاب شیعی ایران شود.

علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه وقت جمهوری اسلامی، چند ماه پس از استقلال آذربایجان، در دسامبر ۱۹۹۱ به باکو رفت و چند قرارداد همکاری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را امضاء کرد و متعهد شد از ورود آذربایجان به سازمان همکاری اسلامی حمایت کند.

علی‌خامنه‌ای از همان روزهای نخست رسیدن به رهبری جمهوری اسلامی، بر رابطه «معنوی» ایران با کشورهای مثل آذربایجان تأکید داشت، اما از همان زمان، نگاه و توجهش بیش‌تر به شیعیان آذربایجان بوده، نه دولت باکو.

سیدعلی خامنه‌ای، رهبر تازه قدرت‌گرفته جمهوری اسلامی در پنجم تیر ۱۳۶۸، یعنی چند روز پس از مرگ روح‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، به سفر اکبر هاشمی رفسنجانی در زمان ریاستش بر مجلس شورای اسلامی به باکو اشاره کرد و رابطه ایران با آذربایجان را رابطه‌ای خواند که «خدا به‌وجود آورده» است.



علی‌خامنه‌ای و الهام علی‌اف در دیداری در تهران در اسفندماه ۱۳۹۵

سایت رهبر جمهوری اسلامی در توضیح این اشاره خامنه‌ای نوشته است: «اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس مجلس شورای اسلامی، در سفر به جمهوری آذربایجان شوروی و شرکت در نمازجمعه باکو، مورد استقبال گسترده مردم و بخصوص جوانان این شهر قرار گرفت.»

سایت اینترنتی خامنه‌ای اضافه کرده که «اکثر مردم باکو» که به‌خاطر درگذشت خمینی «لباس سیاه به تن کرده بودند و از شدت احساسات می‌گریستند، با دادن شعارهایی به زبان‌های فارسی و آذری به هیئت ایرانی تسلیت می‌گفتند.» چند ماه بعد، خامنه‌ای در دیدار با رهبر جنبش توحید اسلامی لبنان در بهمن ۱۳۶۸، به روابط شیعیان آذربایجان با ایران اشاره کرد و تجربه شخصی خودش در این زمینه را مثال زد: «ما علمایی اهل همین ایروان و نخجوان و باکو و لنکران و این‌ها داشتیم که - دوستان ما بودند، دوستان پدرم.»

هم‌چنین خامنه‌ای دو سال بعد، زمانی که حیدر علی‌اف، پدر الهام علی‌اف، رئیس شورای عالی جمهوری خودمختار نخجوان بود، در دیدار با او در تهران از «پیوند» جمهوری آذربایجان با اسلام سخن گفت و تأکید کرد: «ما از الحاق جمهوری آذربایجان به پیکر امت اسلامی بسیار خرسندیم.»

این تصور از مردم آذربایجان در میان مقام‌های جمهوری اسلامی، به رویکرد ایدئولوژیک از رابطه تازه ایجاد شده با یک کشور همسایه دامن زد.

جمهوری اسلامی، هم‌چنین در کتاب‌های درسی مدارس، متنی را اضافه کرد که در آن، اسلامی بودن جمهوری آذربایجان و وجود مساجد و بلندشدن صدای اذان از آن‌ها برجسته شده بود. در واقع جمهوری اسلامی تلاش داشت، این تصویر را در میان مردم ایران جابجاند که باکو نیز نظیر شهرهای ایران، دارای فرهنگ و دین مشابهی است.

اما از تابستان ۱۹۹۲، زمانی که ابوالفضل ایلیچی‌بیگ در انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان به پیروزی رسید، روابط تهران و باکو به سرعت رو به وخامت گذاشت.

ایلیچی‌بیگ اولین رئیس‌جمهور «ملی‌گرا» بود که سکولاریسم ترکیه را تحسین می‌کرد و به آنکارا نزدیک بود. پس از ایلیچی‌بیگ، در دوران حیدر علی‌اف نیز دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان، همواره بر سر مسائلی از جمله وضعیت حقوقی دریای خزر با یکدیگر اختلاف داشته‌اند، اما در دوران حیدر علی‌اف تلاش شد کم‌تر صداهای مبنی بر «آذربایجان واحد» از جمهوری آذربایجان بلند شود تا مقام‌های تهران نیز در اقدامی متقابل، بر احساسات شیعی در جمهوری آذربایجان سوار نشوند. با این حال، در دوران حیدر علی‌اف نیز تلاش شد که در آذربایجان نمادهای ملی تقویت شود و حتی شخصیت‌های «مقدس» و «زیارتگاه»‌های مخصوص به‌خود احیا شود؛ نمونه بارز این تلاش، بازسازی مقبره «میر موسوم آقا» یک قدیس آذربایجانی است که در نیمه اول قرن بیستم زندگی می‌کرد.

این تلاش در شرایطی بود که با وجود رفتار ملایم حیدر علی‌اف، جمهوری اسلامی از سیاست خود برای تقویت ارتباطاتش با شیعیان معتقد و باورمند در جمهوری آذربایجان مطلقاً دست برنداشت.



عکسی که رسانه‌های ایران از آن‌چه اعضای گروه شیعی «حسینیون» جمهوری آذربایجان خوانده‌اند، منتشر کرده‌اند

بایرام بالچی، یکی از محققان برجسته در تحقیقات درباره آذربایجان که کتاب‌ها و مقالات مختلفی از جمله درباره وضعیت شیعیان در جمهوری آذربایجان دارد، نوشته است که ایده‌های انقلاب اسلامی ایران از طریق آثار خمینی یا تبلیغات رسانه‌ای از همان بهمن ۱۳۵۷ به باکو و دیگر مناطق آذربایجان راه یافت و یک دهه بعد، در دوران آغازین رهبری خامنه‌ای، ایده «احیای تشیع» در آذربایجان مطرح شد.

اما در دو دهه گذشته که الهام علی‌اف، فرزند حیدر علی‌اف، قدرت را در جمهوری آذربایجان در دست گرفته، سیاست جمهوری اسلامی در این کشور به مرور به گنجاندن جمهوری آذربایجان در «محور مقاومت» تبدیل شد؛ سیاستی که فراتر از آرمان‌های مذهبی رفته و در مواجهه با دولت‌های منطقه به مراتب خصمانه‌تر است.

رویکرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه شکل‌گیری یک «جنبش شیعی» در آذربایجان، شبیه نمونه «حزب‌الله» در لبنان، برای الهام علی‌اف، چالش‌های امنیتی جدی را ایجاد کرده است.

جمهوری اسلامی در دهه‌های گذشته، تلاش کرده در مناطقی که اسلام‌گرایان تندرو و شیعی آذربایجان بیش‌ترین نفوذ را دارند و در آن‌جا بیش‌ترین اعتراض‌ها به حکومت باکو می‌شود، مثل شهر نارداران در نزدیکی باکو، سرمایه‌گذاری کند و از این اعتراضات بیش‌ترین بهره را ببرد.

به‌عنوان نمونه، در ایران مراسم بزرگ‌داشتی برای «شهدای نارداران» برگزار می‌شود که از شیعیان مخالف حکومت علی‌اف بوده‌اند. جمهوری آذربایجان با وجود داشتن جمعیت اکثریت شیعه، هم‌چون ایران کشوری چند مذهبی و چند فرهنگی است، اما جمهوری اسلامی با دست گذاشتن روی شیعیان تندرو جمهوری آذربایجان، قصد دارد در این کشور دقیقاً همان سناریویی را به اجرا بگذارد که پیش‌تر در ایران، لبنان، عراق و یمن پیاده شده است.

در این میان، حوزه علمیه قم و به‌ویژه مرکز «جامعه المصطفی العالمیه» که ویژه پرورش روحانیون خارجی حامی جمهوری اسلامی است، نقش برجسته دارد.

علاوه بر حوزه‌های علمیه و رسانه‌های حکومتی ایران، نیروی قدس سپاه پاسداران به‌ویژه در دوران فرماندهی قاسم سلیمانی بر این نیرو، بلندپروازی‌هایی برای نفوذ در جمهوری آذربایجان داشته است.

اورخان محمد اف، یکی از شیعیان آذربایجانی تحت حمایت جمهوری اسلامی از ارتباط حلقه‌هایی از این شیعیان با نیروی قدس سپاه پاسداران گفته و تأکید کرده است: «ما بارها از سردار سلیمانی شنیدیم که می‌گفت تعداد شما کم است منتها تاثیرگذار هستید.»

در واقع، نزدیکی باکو به غرب و اسرائیل نوعی دیپلماسی دفاعی باکو در برابر سلطه‌گرایی شیعی جمهوری اسلامی است. در زمینه سیاست داخلی جمهوری آذربایجان هم، مداخلات بی‌امان جمهوری اسلامی موجب می‌شود هرگونه گشایش سیاسی در حکومت اقتدارگرای علی‌اف، با خطر مهلک گسترش اسلام‌گرایی و پیامدهای وخیم آن همراه باشد.

همان زمان که رزمایش سه روزه عبور از ارس توسط نیروی زمینی سپاه برگزار شد. سپس ماجرای حمله به سفارت آذربایجان در تهران روابط دیپلماتیک دو کشور را تا نقطه بحران پیش برد.

پس از جنگ سال ۲۰۲۰ میان باکو و ارمنستان که منجر به بروز سلسله جنگ‌هایی در منطقه قفقاز جنوبی شد، رزمایش سپاه در منطقه ارس با نام «ایران مقتدر» برگزار شد که در واقع سومین رزمایش سپاه در دو سال اخیر در این منطقه بود. تفاوت این رزمایش البته این بود که بر خلاف رزمایش‌های گذشته که معمولاً در گستره سرزمینی محدودی برگزار می‌شد، این رزمایش تقریباً همه مرز شمال غربی ایران را دربر می‌گرفت.

علت این رزمایش‌ها، به‌ویژه رزمایش اخیر را می‌توان دنباله‌دار شدن درگیری‌ها و ناامنی‌ها در منطقه قفقاز دانست. به‌خصوص که در ۶ ماه گذشته، دست کم دو بار نیروهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان با هم درگیر شده‌اند. از این رو به‌نظر می‌رسد رزمایش اخیر ایران، پاسخی به بی‌ثباتی‌های سیاسی و نظامی شمال مرزهای خود، به‌ویژه شمال رود ارس، عملاً و علناً تهدید جمهوری آذربایجان بوده است. یک سال قبل نیز مانور لشکر عاشورا تبریز در مرز ارس نیز انجام شده بود. لشکری که روزی فرماندهی آن را مهدی باکری بر عهده داشت و از مهم‌ترین فرماندهان سرکوبگر شهرهای ایران در خوزستان بود، در حالی در مرز ارس و برای رزمایش حاضر شد که مهم‌ترین مسئله مهم در آن مانور را حضور لشکری از آذربایجان در مرز ارس می‌دانستند، نکته‌ای که به‌نظر می‌رسد در نهایت این نمایش قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران رد مقابل جمهوری آذربایجان بود.

دلایل این مانورهای نظامی را باید در ژئوپلیتیک ایران، جغرافیای منطقه و افزایش تنش بین ارمنستان و باکو و هم‌چنین افزایش تحریم‌ها بر ایران تحلیل کرد. جمهوری اسلامی در حالی از سال ۱۳۹۶ هدف سخت‌ترین تحریم‌ها و ممنوعیت مرادات جهانی قرار گرفته است که که با ۷ کشور جهان دارای مرز خاکی است و با ۱۲ کشور نیز مرز دریایی مشترک دارد. این مسئله برای کشوری، چون ایران می‌تواند فرصت و تهدید باشد.

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر، سعی کرده بنا به موقعیت اقتصادی خاص خود مسیر خود را از عراق و سوریه تا مدیترانه و اروپا باز نگه دارد و از سوی دیگر با استفاده از موقعیت جغرافیایی افغانستان و حتی با طالبان مسیر مرادده با چین را حفظ کند. هر چند که بسیاری از کارشناسان مسیر افغانستان را بیش از ایران برای طرف چینی دارای اهمیت می‌دانند چرا که چینی‌ها توسط خاک افغانستان و دسترسی به ایران، می‌توانند مسیر زمینی نیز به خاورمیانه برای خود بیابند.

در مسیر جنوب، با وجود همه تحریم‌ها، دسترسی ایران به تنگه هرمز و دو بندر مهم، چابهار و بندرعباس، موقعیت ایران را تا حدودی حفظ کرده است؛ مشکل، اما در مسیر شمال است. مسیر ایران در شمال شرقی به ترکمنستان می‌رسد که دارای اهمیت خاصی از نظر موقعیت جغرافیایی و اقتصادی و ترانزیتی برای ایران نیست. در مقابل، اما کریدور ایران با ارمنستان، همواره دارای اهمیت خاصی برای جمهوری اسلامی ایران بوده است. این مسیر دسترسی ایران به روسیه، بلورس، اوکراین و به تبع آن بخشی از اروپا بوده است.

یکی از اولین تبعات جنگ بین ارمنستان و آذربایجان در سال ۲۰۲۰، تنگ شدن دالان عبور ایران بود. کارشناسان جمهوری اسلامی ایران، آن را یکی از بازی‌های دولت آذربایجان و تلاش برای محدود کردن دسترسی ایران از نظر مرزی به ارمنستان و تلاشی برای مسدود کردن مسیر ایران ارزیابی می‌کنند. در حالی که نمی‌توان علت یک جنگ که عامل اصلی آن قره‌باغ بود را به حد بستن مرز دو کشور تقلیل داد. اما نمی‌توان از تلاش دولت باکو با همراهی پشت پرده ترکیه اردوغان نیز به راحتی عبور کرد.

شاید در آن زمان مقامات جمهوری اسلامی ایران، تصور می‌کردند با بهبود روابط با ترکیه تنش در مرزهای خود را نیز کنترل خواهد کرد، اما در نهایت این روند به گونه دیگری پیش رفت. هر چند که در آبان ۱۴۰۰، بالاخره با پادرمیانی روسیه، نیروهای آذربایجان از عمق خاک ارمنستان عقب‌نشینی کردند و نیکول پاشینیان نخست‌وزیر متمایل به غرب ارمنستان نیز با تغییر وزیر دفاع و عزل آرشاک کاراپتیان تلاش کرد جلوی افزایش تنش را بگیرد، اما به‌نظر می‌رسد کوتاه آمدن پاشینیان و عزل چهارمین وزیر دفاع ارمنستان در یک سال نیز مانع از تداوم تنش در خط مرزی دو کشور نشد.

حل مناقشه قره‌باغ بین دو کشور آذربایجان و ارمنستان، هر چند فعلا جنگ را خاتمه داده، اما وضعیت ژئوپلیتیک در منطقه را نیز به‌طور کامل دگرگون کرد و فرصت‌های جدید متعددی فراهم آورد و در نهایت گشوده شدن دالان‌های حمل و نقل زمینی به عمده‌ترین موضوع مورد بحث در منطقه تبدیل شد.

یکی از مهم‌ترین مسیرهای حمل و نقل زمینی، «دالان زنگزور» است که جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را از طریق ارمنستان به روسیه و ترکیه متصل و زمینه را برای ارتباط آسیا، اروپا و خاورمیانه با یکدیگر فراهم می‌کند. برخی کارشناسان معتقدند این طرح نه فقط فرصت‌های تازه و گوناگون اقتصادی به وجود خواهد آورد، بلکه به برقراری صلح پایدار در منطقه جنوب قفقاز نیز کمک خواهد کرد.

دالان زنگزور کوتاه‌ترین مسیر حمل و نقل زمینی بین اقیانوس آرام و اطلس و هم‌چنین نقطه تلاقی جنوب به شمال و شرق به غرب است که به گسترش حمل و نقل زمینی و مرتبط کردن اروپا و آسیا به یکدیگر خواهد انجامید.

گسترش حمل و نقل زمینی و راه آهن در مسیر دالان زنگزور در دیدار مقامات ارمنستان و جمهوری آذربایجان در بروکسل مورد بررسی قرار گرفت. اتحادیه اروپا و آمریکا به شدت از اجرای این طرح حمایت می‌کنند. هم‌چنین واشنگتن آمادگی خود را برای کمک به توسعه مسیر حمل و نقل زمینی زنگزور اعلام کرده است.

مسئله مهم برای ترکیه، این است که با بازگشایی دالان زنگزور، امکان دسترسی ترکیه به حوزه دریای خزر فراهم می‌شود و این دالان به یکی از کوتاه‌ترین مسیرهای حمل و نقل زمینی بین ترکیه، آسیای میانه و چین تبدیل خواهد شد و در عین حال ارتباط زمینی بین دریای سیاه، قفقاز، آسیای میانه با هند، چین و دیگر کشورهای شرق و جنوب آسیا را فراهم خواهد آورد.

روزنامه «ینی مساوات» که از جمله روزنامه‌های نزدیک به دولت باکو است و معمولا مواضع ریاست جمهوری این کشور را منعکس می‌کند، در سال ۲۰۲۱ و در یادداشتی مدعی شده بود که ارمنستان مجبور به پذیرش ایجاد یک دالان در خاک خود شده و موضع ایران در این مورد اهمیت چندانی ندارد.

روزنامه ینی مساوات، نوشته بود که «دالان زنگزور ایجاد خواهد شد و ارمنستان هیچ حقی بر نظارت بر عبور و مرور از این دالان نخواهد داشت. روسیه تأکید دارد که این مسیر باید براساس توافق ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ گشوده شود و کنترل آن به عهده نیروهای مرزبانی روسیه خواهد بود.»

به گفته ینی مساوات، باکو پس از درگیری‌های ۱۵ و ۱۶ نوامبر، شرط آتش‌بس را پذیرش دالان زنگزور توسط ارمنستان تعیین کرده بود و با حمایت روسیه از خواست جمهوری آذربایجان، نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان نیز مجبور به پذیرش آن شده و در دیدار سران در ۲۶ نوامبر نیز این توافق را نهایی کرده‌اند.



اهمیت دالان زنگزور برای جمهوری اسلامی ایران

ینی مساوات در همان گزارش نوشته «باکو به ازای گشایش دالان زنگزور برای رفع محاصره ارمنستان آماده نمی‌شود. ترکیه از جمهوری آذربایجان و روسیه درباره گشودن دالان زنگزور حمایت می‌کند و نیاز جدی به موضع ایران نیز احساس نمی‌شود. در نتیجه ارمنستان تنها مانده و مجبور به پذیرش شرایط موجود است.»

این شرایط در حالی است که جمهوری اسلامی ایران چه در سال ۲۰۲۱ و چه در ماه‌های اخیر، حتی با برگزاری مانور نظامی نشان داده است که مرز زمینی خود با ارمنستان برایش بسیار مهم است و حداقل به این راحتی راضی نخواهد شد.

در این میان، اما دولت ارمنستان که سابقه تاریخی خصومت با ترکیه را دارد از بازگشایی دالان زنگزور به روی ترکیه اجتناب می‌کند، چون تمایلی برای حضور این کشور در خاک کشور خودش ندارد و ترکیه مشخصا سعی می‌کند از طریق اعمال نفوذ بر الهام علی‌اف این دالان را به روی خود باز کند و حتی اگر لازم باشد سهم ایران از این کریدور را نیز ببلعد. در مقابل ارمنستان امیدوار است با همراهی طرف هرچه بیش‌تر جمهوری اسلامی و کمی هم طرف روسی این مسیر را تنها به روی ایران و باکو باز بگذارد و اجاره حضور ترکیه در این منطقه را ندهد. این عامل را باید دلیل اصلی تلاش الهام علی‌اف برای دسترسی به نخجوان نیز دانست.

در واقع اهمیت مسئله نخجوان که بعد از مسئله قره‌باغ، عامل تازه‌ای برای لشکرکشی دولت آذربایجان بوده، بیش از خود نخجوان و دسترسی زمینی به بخش‌های دیگر از خاک ارمنستان است.

رییس خبرگزاری توران در باکو، پس از حمله محدود باکو به ارمنستان در سال ۲۰۲۱ گفته بود که «واقعیت امر این است که نخجوان اهمیت اقتصادی زیادی برای باکو ندارد و ایجاد کریدور بین جمهوری آذربایجان و نخجوان برای ما دارای اهمیت خاصی نیست. بیشترین تبادل تجاری نخجوان با ایران و ترکیه است و ما به عنوان جمهوری آذربایجان کشوری هستیم که بیش از ۸۰ درصد نیازهایمان را از طریق واردات کالا تامین می‌کنیم. بنابراین چیز زیادی برای صادر کردن به نخجوان نداریم که بگوییم می‌خواهیم راهمان را به نخجوان باز کنیم تا به آنجا کالا بفروشیم.»

این روزنامه‌نگار قدیمی آذربایجانی، البته در برابر پرسش از چرایی اصرار آذربایجان بر گرفتن این کریدور از ارمنستان، این بار مسئله را نه ترکیه و دولت باکو، بلکه تمایل روسیه می‌داند و این گونه توضیح می‌دهد که «این اصرار از طرف آذربایجان نیست بلکه از سوی روسیه است. در واقع این روسیه است که از منافع کریدور بهره‌مند خواهد شد چرا که مسئله اصلی برای روسیه کریدور شمال-جنوب است که بندر اقیانوسی چابهار ایران و کشورهای خلیج فارس را از طریق راه‌آهن به بندر پترزبورگ روسیه وصل می‌کند. این کریدور در حال حاضر به دلیل تحریم‌ها علیه ایران و سایر ناکارآمدی‌ها یک قطعه ناتمام و گمشده دارد و آن راه‌آهن رشت-آستاراست که تکمیل آن تا پیش از ۲۰۲۶ نیز پیش‌بینی نمی‌شود.»

روزنامه‌نگار آذربایجانی در حالی معتقد است که دست پشت پرده تنش روسیه است که وارطان ووسکانیان استاد شرق‌شناسی دانشگاه ایروان نظر دیگری دارد و معتقد است هدف آذربایجان نه تعیین مرز و به رسمیت شناختن مرزهای زمان شوروی بین دو کشور، بلکه پیشروی در شمال استان سیونیک و قطع آن و سپس اشغال کل این باریکه ۴۰ کیلومتری و قطع ارتباط ارمنستان با ایران است. ووسکانیان در سال ۲۰۲۱ به یورونیوز گفته بود «تجاوز اخیر آذربایجان به ارمنستان نشان می‌دهد هدف اصلی آذربایجان ممانعت از راه مواصلاتی ارمنستان-ایران است که جزئی از کریدور شمال-جنوب محسوب می‌شود و هدف باکو نه تنها ایجاد تنگنای ژئوپلیتیکی برای ارمنستان بلکه به همان شکل ایجاد تنگنای ژئوپلیتیکی و اقتصادی برای ایران نیز هست؛ بنابراین به نظر می‌رسد برخورد بسیار قاطعانه‌تری از سوی ایران نسبت به مسئله باید صورت بگیرد و بیانیه سخن‌گوی وزارت خارجه ایران که خواسته بود تا توازن را در این موضوع نسبت به هر دو طرف حفظ کند به نظر راه‌گشا نمی‌آید و می‌بایستی که با تبدیل شدن باکو به یک کشور خطرناک برای منطقه مقابله کرد. خطری که بیش از همه متوجه ایران و ارمنستان خواهد بود.»

ووسکانیان در همان زمان تاکید می‌کند و اخطار می‌دهد که «سیاست خارجی آذربایجان را به عنوان کشوری که در حال حاضر کم‌وبیش در شرایط مستعمرگی ترکیه قرار گرفته می‌توان در سه محور علیه ایران دانست: «اول این که تنش در قفقاز جنوبی به نفع ایران نیست و صرفاً نفوذ ترکیه را افزایش خواهد داد. دوم این که ایجاد تنش در درون ایران و به آشوب کشیدن شمال غرب ایران که از طرف محور باکو-آنکارا دیگر حتی پنهان نیز نمی‌شود و سوم این که محاصره و مهار ایران از سوی برخی از کشورهای خاورمیانه و غرب مورد حمایت است؛ بنابراین اگر ایران در سیاست خارجی فعلی خود نسبت به قفقاز جنوبی تجدیدنظر نکند به سرعت منافع خود را در این منطقه از دست خواهد داد. ایران می‌تواند رویکرد موازنه‌گرا بین آذربایجان و ارمنستان داشته باشد، ولی این به این معنا نیست که در برابر باکو چنین منعطف و بعضاً منفعل عمل کند.»

اخطار جدی این کارشناس ارمنستانی را در همان زمان بارها کارشناسان ایرانی و روسی نیز درباره اهمیت حفظ کریدور ایران و ارمنستان نیز تکرار کردند. در حقیقت در زمانی که برخی نمایندگان مجلس و بعضی از امامان جماعت در مناطق آذری‌زبان ایران بر مسئله خاک اسلام بودن قره‌باغ تاکید می‌کردند، کارشناسان سیاست خارجی و منطقه‌ای بارها هشدار دادند که منافع جمهوری اسلامی ایران در حفظ مرز مشترک خود با ارمنستان و حفظ این کریدور است و ایران نباید وارد بازی شود که الهام علی‌اف با صحنه‌گردانی ترکیه و اسرائیل در حال رقم زدن آن است؛ اخطاری که به نظر می‌رسید بالاخره طرف ایرانی با یک سال تاخیر متوجه آن شد!

محسن پاک‌آیین سفیر سابق ایران در باکو نیز در همان زمان، مشکل را نه در قفقاز جنوبی و بین دو کشور آذربایجان و ارمنستان، بلکه در سهم‌خواهی ترکیه ارزیابی کرده بود. پاک‌آیین درباره لزوم تعیین حدود مرزی دو کشور و تلاش آذربایجان بر این امر گفته بود «کریدور زنگزور مشکل چندانی بین دو کشور محسوب نمی‌شود و به راحتی و با بهبود رابطه بین این دو کشور پس از تعیین حدود مرزی می‌تواند تحقق پیدا کند و اتفاق خاصی هم نخواهد افتاد اگر چنین کریدوری به آذربایجان داده شود تا به نخجوان دسترسی پیدا کند. مشکل آن‌جاست که ترکیه هم می‌خواهد از این کریدور بهره‌مند شود و به دریای خزر و آسیای مرکزی دسترسی داشته باشد و این چیزی نیست که ارمنستان بپذیرد چرا که ارمنستان به هر حال بر خاک خود حاکمیت دارد و با توجه به مشکلات تاریخی که با ترکیه دارد و عدم رابطه‌اش با این کشور مایل نیست خاکش را در اختیار ترکیه بگذارد؛ بنابراین اگر مسئله کریدور را مسئله‌ای در سطح قفقاز ببینیم که قرار است آذربایجان را به نخجوان وصل کند یک موضوع است، اما وقتی موضوع را آن گونه که ترکیه می‌بیند اگر ببینیم موضوع چیز دیگری خواهد بود. کریدور وقتی به کریدور توران به شکلی که ترکیه مطرح می‌کند تبدیل می‌شود مشکل‌ساز می‌شود و گرنه موضوع قابل حل و فصل خواهد بود.»

به این ترتیب، اکنون به نظر می‌رسد حالا مرز ایران و ارمنستان، که قرار بوده مرز دو کشور باشد دست‌کم محل جدال مستقیم سه کشور دیگر روسیه، باکو و ترکیه شده است. دسترسی به دریای خزر، آسیای میانه و ترانزیت و نفوذ اقتصادی از جمله دلایل این تلاش برای نفوذ است.

هم‌زمان با دور تازه کشمکش آذربایجان و ارمنستان، جمهوری اسلامی ایران نیز سطح تنش با باکو را بالا برده است و به‌خصوص که پس از رزمایش نیروی زمینی سپاه در حوزه ارس، حملات رسانه‌ای و سیاسی مقامات جمهوری اسلامی به آذربایجان افزایش یافت؛ شدت این

حملات تا جایی پیش رفت که افزون بر نمایندگان مجلس و امام جمعه‌های مناطق آذری نشین ایران، رسانه‌های وابسته به جمهوری اسلامی، حتی خامنه‌ای نیز این کشور را تهدید کرد.

روز ۱۹ آبان ماه سال جاری سفیر جمهوری آذربایجان به‌خاطر آنچه مقامات جمهوری اسلامی ایران «تداوم تبلیغات ضد ایرانی و سیاه‌نمایی رسانه‌ها و مقامات رسمی این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران» توصیف می‌کرد، به وزارت امور خارجه احضار شد. یک روز پس از این احضار، این بار دولت باکو سفیر ایران را فراخواند و رسانه‌های باکو از حضور سیدعباس موسوی سفیر ایران در باکو در وزارت خارجه این کشور خبر دادند. در پی احضار سفیر، جمهوری آذربایجان از «نارضایتی باکو در رابطه با پروپاگاندهای راه افتاده علیه این کشور در رسانه‌های ایرانی و لفاظی‌های تهدیدآمیز مقامات سیاسی و نظامی ارشد» گلایه کرد. مطبوعات آذربایجان دیدار یا توافق دوجانبه ارمنستان و ایران را مورد نقد قرار می‌دهند و به‌عنوان اقدامی علیه باکو معرفی می‌دانند.

علاوه بر آنچه در بالا گفته شد با تخلیه سفارت باکو در تهران، تنش‌ها با جمهوری آذربایجان افزایش پیدا کرده و احتمال بروز یک درگیری نظامی میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان همسایه شمال غربی‌اش را تقویت کرده است. همان‌طور که اشاره شد تنش‌های چند ماهه ایران و آذربایجان بر سر درخواست باکو برای ایجاد یک کریدور از نخجوان به سرزمین اصلی و بستن مرزهای جغرافیایی ایران و ارمنستان، در نهایت به قطع روابط دیپلماتیک باکو با تهران و خروج اعضای سفارت این کشور از ایران انجامید. البته اقدام باکو در تخلیه سفارت در نتیجه حمله به این سفارتخانه و کشته‌شدن یکی از اعضای این نهاد دیپلماتیک بود، اما همان‌طور که گفتیم روایت‌های طرفین در رابطه با حمله مسلحانه به سفارت باکو در تهران، بسیار متفاوت و متناقض است و اصرار دولت باکو بر این است که این یک حمله سازمان‌دهی شده تروریستی بوده است.

با این همه، اتفاقی که افتاده افزایش تنش‌ها با همسایه شمال غربی ایران و احتمال بروز یک درگیری نظامی در مرزهای مشترک دو کشور است. حتی رویداد ۲۴، در گزارش قوای نظامی ایران و آذربایجان را مقایسه کرده است.

هم‌چنین وب‌سایت «آرمد فورسز» یکی از منابع مقایسه نیروهای نظامی کشورهاست که با استفاده از اطلاعات مندرج در ویکی‌پدیا، وب‌سایت سازمان سیا آمریکا، وب‌سایت‌های دولت‌های کشورهای و اخبار منتشر شده، مجموع دارایی‌ها و تجهیزات نظامی کشورها را از حیث نیروی زمینی، هوایی، دریایی، بودجه دفاعی و نیروی انسانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

بر اساس اطلاعات این وب‌سایت، جمهوری اسلامی ایران با وسعت ۶/۱ میلیون کیلومتر مربع و ۸۳ میلیون جمعیت دارای تجهیزات و نیروهای نظامی ترکیبی از ساخت داخل و تجهیزات قدیمی خارجی وارد شده از چین، روسیه، شوروی و آمریکا است.

جمهوری آذربایجان در مقابل با ۶/۸۶ هزار کیلومتر مربع وسعت و ۱۰ میلیون جمعیت، عمدتاً انبارهای سلاح‌ها را از تجهیزات دوران شوروی و روسیه پر کرده و بخش کوچکی از تجهیزات نظامی‌اش را از ترکیه و اسرائیل وارد کرده است.

بودجه نظامی جمهوری اسلامی ایران، ۴/۱۷ میلیارد دلار است که ۸/۳ درصد مجموع تولید ناخالص داخلی ایران را تشکیل می‌دهد. بودجه نظامی آذربایجان ۵ درصد مجموع تولید ناخالص داخلی این کشور و در مجموع ۳/۲ میلیارد دلار است.

از نظر نیروی انسانی، ایران دارای ۶۱۰ هزار پرسنل فعال، ۳۵۰ هزار نیروی ذخیره و ۲۳ میلیون نفر نیروی آماده به خدمت نظامی است. در مقابل، آذربایجان ۱۲۶ هزار نیروی فعال، ۳۳۰ هزار پرسنل ذخیره و ۳ میلیون نیروی نظامی آماده به خدمت دارد.

نیروی زمینی ایران و آذربایجان در صورت بروز جنگ بین دو کشور به‌دلیل وجود بیش از ۴۳۰ کیلومتر مرز مشترک، اهمیت زیادی خواهد داشت. در این حوزه ایران دارای ۲ هزار ۸۴۲ تانک، ۳ هزار و ۵۵۵ خودروی زرهی و هزار و ۷۵۵ توپخانه راکتی است. توپخانه راکتی به

توپخانه‌ای گفته می‌شود که به‌جای توپ‌های جنگی و خمپاره‌ها به راکت‌انداز و راکت مسلح است. ایران همچنین هزار توپخانه خودکشی دارد. توپخانه خودکشی یا خودرو به خودروهای نظامی مجهز به توپ‌های جنگی گفته می‌شود که شامل توپ‌های خودکشی و توپخانه راکت‌انداز است. در مقابل آذربایجان ۹۴۰ تانک، ۲ هزار و ۳۶۳ خودروی زرهی، ۲۶۷ توپخانه خودکشی و ۳۲۳ توپخانه راکتی است.

در بخش نیروی هوایی قدرت ایران را نباید به تعداد جنگنده‌هایش وابسته کرد چرا که در مورد جنگنده، ایران ناوگان بسیار قدیمی دارد و همه هواپیماهای جنگی ایران مربوط به زمان محمدرضا شاه پهلوی است. اگر صرفاً تعداد را در نظر بگیریم، مجموع جنگنده‌های ایران

بیش از چهار برابر جنگنده‌های آذربایجان است. ایران ۹۷۳ جنگنده شامل ۱۱۲ هواپیمای جنگی، ۷۵ هواپیمای چند منظوره، ۲۳ جنگنده تهاجمی، ۵۱۹ هلی‌کوپتر و ۸۳ پهپاد دارد. آذربایجان در مقابل در مجموع ۱۷۶ جنگنده شامل ۵ هواپیمای جنگی، ۱۵ جت چند منظوره، ۱۱ جنگنده تهاجمی و ۹۷ هلی‌کوپتر دارد.

بر اساس گزارش رسانه‌های آذری، نیروی هوایی آذربایجان ۳۴ فروند جنگنده تهاجمی سوخو ۲۵ و ۱۴ فروند جنگنده رهگیر میگ در اختیار دارد. وب‌سایت آرمد فورسز هیچ آماری از پهپادهای آذربایجان ثبت نکرده، اما می‌دانیم که در جنگ قره‌باغ که به آزادسازی سرزمین‌های آذربایجان منتهی شد، باکو از پهپادهای بیرق‌دار و کامی‌کازه استفاده کرده است. از زمان تشدید درگیری‌ها میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان پهپاد «بیرق‌دار تی‌بی ۲» ساخت ترکیه بیش از سایر هواپیماهای بدون سرنشین مورد استفاده قرار گرفتند.

کارشناسان می‌گویند اغلب ویدئوهایی که ارتش جمهوری آذربایجان از حملات به منطقه قره‌باغ منتشر کرده، توسط این نوع پهپاد فیلم‌برداری شده است. ارتش جمهوری آذربایجان، از انواع دیگری از هواپیماهای بدون سرنشین هم استفاده می‌کند. به گفته مرکز مطالعات پهپادها در کالج بارد در آمریکا، این کشور دو فروند هرون تی‌پی، ۱۰ فروند هرمس ۴۵۰۷، ۱۰۰ فروند اسکای استرایکرز و ۵۰ فروند هاروپ که همگی پهپادهای ساخت اسرائیل هستند را در اختیار دارند.

بسیاری از کارشناسان غربی علت پیروزی آذربایجان در جنگ اخیر مقابل ارمنستان را همین پهپادها می‌دانستند. به گفته ساموئل بندت از مشاوران و تحلیلگران اندیشکده مرکز امنیت نوین آمریکا «پهپادهای آذربایجان به‌واقع یک گلوله جادویی بودند، چراکه توانستند پدافند هوایی و دارایی‌های میدانی ارمنستان را نابود کنند.»

نیروی دریایی ایران و جمهوری آذربایجان هم در صورت بروز جنگ به کمک آن‌ها خواهند آمد چرا که دو کشور در دریای خزر مرز مشترک دارند. بیشتر نیروی دریایی ایران در خلیج فارس متمرکز است. تیر ماه امسال ارتش از افزایش توان نظامی خود در دریای خزر خبر داده است. تا پیش از انقلاب اساساً هیچ نیروی دریایی در دریای خزر وجود نداشته است.

در حال حاضر هم حضور ناوگان نظامی ایران در دریای خزر چندان پرشمار نیست. اولین فروند ناو جنگی ایران در سال ۸۲ به نیروی دریای ارتش تحویل و در ناوگان شمال نداجا در دریا خزر به آب انداخته شد. در سال‌های ۸۵ و ۸۸ ناوهای جوشن و درفش به ناوگان شمال نداجا الحاق می‌شوند. پس از آن ناوشکن دماوند در سال ۹۱ در دریای خزر به آب انداخته می‌شود.

هرآن‌چه در مقایسه نیروی دریایی ایران و آذربایجان در وبسایت آرمد فورسز به آن اشاره شده در واقع مقایسه کل نیروی دریایی ایران که عمدتاً در جنوب متمرکز شده اند و نیروهای آذربایجان در دریای خزر است.

وبسایت «آرمد فورسز» به وجود ۲۷۲ ناو و ۱۹ زیردریایی در میان ناوگان نیروی دریایی ایران اشاره کرده است. آذربایجان ۳۱ ناو و ۴ زیردریایی دارد که همه آن را در دریای خزر مستقر کرده است. هیچ‌یک از دو کشور بمب اتم ندارند. سن خدمت سربازی در ایران از ۱۸ سال و اجباری است و در جمهوری آذربایجان بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال برای خدمت سربازی اجباری در نظر گرفته شده است.

آن‌چه در تنش‌های اخیر ایران و آذربایجان اهمیت دارد نقشی است که ترکیه و اسرائیل نیز در آن دخیلند. اسرائیل در مقابله تاریخی خود با جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر موفق شده جایگاه مطلوبی در میان همسایگان ایران پیدا کند. پیمان ابراهیم به عادی‌سازی روابط اسرائیل و اعراب منتهی شده و تبادل انرژی در برابر اسلحه میان اسرائیل و آذربایجان در واقع این دو را به هم نزدیک‌تر کرده است. جمهوری آذربایجان در اوج تنش‌ها با ایران برای نخستین بار سفارت خود را در تل‌آویو افتتاح کرد.

اسرائیل چهل درصد نفت خام مورد نیازش را از آذربایجان وارد کرده و مهم‌ترین صادرکننده جنگ‌افزار به آن است. صادرات جنگ‌افزار اسرائیل به آذربایجان از جمله شامل موشک، سیستم رادار، مهمات و به خصوص پهپاد می‌شود. بر اساس گزارش‌هایی که به تایید مقامات ایران هم رسیده، اسرائیل از خاک آذربایجان برای رصد اطلاعاتی ایران استفاده می‌کند.

روزنامه نیویورک‌تایمز، در گزارشی تفصیلی با عنوان «تاریخ سری فشار برای حمله به ایران» نوشت که پهپادهای اسرائیل برای جاسوسی از سایت‌های هسته‌ای ایران از پایگاه‌های جمهوری آذربایجان استفاده می‌کردند. هم‌چنین این روزنامه می‌نویسد که ماهواره‌های جاسوسی آمریکا دسته‌ای پهپاد اسرائیلی را در سال ۲۰۱۲ رصد کردند که از طریق شیوه حرکت آنان به‌نظر می‌رسید قصد حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران را دارند

ترکیه هم در به ثمر رسیدن جنگ قره‌باغ نقش مهمی بازی کرده بود. بسیاری ناظران بر این باورند که حاصل جنگ قره‌باغ را در واقع ترکیه برداشت کرده است. ایجاد ترکستان بزرگ و وصل کردن نخجوان به سرزمین اصلی آذربایجان جزو پروژه‌های اردوغان برای بازسازی امپراتوری عثمانی است. قطع شدن مسیر مواصلاتی ایران به ارمنستان به معنی وابسته شدن هرچه بیشتر ایران به مرزهای مشترکش با ترکیه و آذربایجان برای مبادلات تجاری با اروپاست. از این رو دالان زنگزور و آنچه ایران «تغییر مرزهای جغرافیایی خود» می‌خواند، باید ذیل پروژه‌های اردوغان برای منطقه تفسیر کرد.

با همه این تفاسیر باید جنگ احتمالی ایران و آذربایجان را در واقع جنگ ایران با آذربایجان، ترکیه و اسرائیل تلقی کرد. مهرماه ۱۴۰۰ و چند ماه بعد از آزادی سرزمین‌های جمهوری آذربایجان در منطقه قره‌باغ، ایران رزمایشی تحت عنوان فاتحان خیبر در سواحل رود ارس در مرز مشترک با آذربایجان انجام داد و سعی کرد پیامی نظامی و سیاسی را به دولت‌مردان جمهوری آذربایجان مخابره کند.

بر اساس گزارش رسانه‌های نزدیک به سپاه در جریان رزمایش فاتحان خیبر قریب به ۱۰۰ دستگاه تانک اصلی میدان‌برد چیفتن و همچنین نفربرهای زرهی M113 و BMP2 نیروی زمینی ارتش متعلق به تیپ ۳۱۶ مستقل زرهی همدان و هم‌چنین تیپ‌های ۱۱۶ و ۲۱۶ مستقل مکانیزه پیاده به همراه ده‌ها توپ کششی و خودکششی شرکت داشتند.

باکو برای پاسخ دادن به این رزمایش درنگ نکرد. تنها چند روز بعد از رزمایش فاتحان خیبر، نیروهای زمینی جمهوری آذربایجان و ترکیه، رزمایشی به نام «برادری تزلزل‌ناپذیر-۲۰۲۱» را در نزدیکی مرزهای ایران در خاک اصلی جمهوری آذربایجان و هم‌چنین منطقه نخجوان آغاز کردند.

به گزارش رویداد۲۴ و روز پیش از اجرای رزمایش «برادری تزلزل‌ناپذیر»، الهام علی‌اف رهبر جمهوری آذربایجان، از یک پایگاه نیروی زمینی جمهوری آذربایجان در منطقه جبرئیل واقع در ۱۰ کیلومتری مرزهای ایران بازدید کرد و در جریان آن با نمایش پهپادهای انتحاری هاروپ ساخت اسرائیل به طور غیر مستقیم تلاش کرد پیامی نظامی را به ایران ارسال کند.

ترکیه در جریان رزمایش «برادری تزلزل‌ناپذیر» دو فروند ایرباس آ-۴۰۰ خود را به باکو منتقل کرد. علاوه بر این، تجهیزات زرهی نیروهای ترکیه شرکت‌کننده در رزمایش متشکل از دست‌کم سه نفربر زرهی ACV15 ساخته شده تحت لیسانس در ترکیه و دست‌کم یک دستگاه خودروی زرهی مقاوم به مین ساخت ترکیه بود.

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که تیرگی روابط تهران و باکو در پی نزدیکی ایران و ارمنستان آغاز شد و پس از حمله به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران در ژانویه امسال که منجر به کشته‌شدن رییس امنیتی سفارت و در نهایت تعطیلی سفارت شد، تشدید یافت. جمهوری اسلامی ایران، از روابط نزدیک جمهوری آذربایجان و اسرائیل وحشت دارد. به‌خصوص به تازه‌گی اسرائیل حملات هوایی و توپخانه‌ای خود به مواضع جمهوری اسلامی در سوریه را در حد چشم‌گیری افزایش داده است. اکنون یک پهباد که اسرائیل اعلام کرده ساخت جمهوری اسلامی است از سوریه و یا لبنان وارد خاک اسرائیل شده بود توسط نیروی هوایی اسرائیل سرنگون شد و چندین موشک نیز از لبنان به اسرائیل پرتاب شده است.

اگر این مجموعه را نیز به تیره‌گی روابط جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان اضافه کنیم با یک تابلوی نسبتاً نرگان‌کننده‌ای روبه‌رو می‌شویم که احتمال دارد خطراتی را برای مردم ایران، آذربایجان و اسرائیل به‌وجود آورد.

البته به‌نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی در هفت ماه گذشته و با آغاز انقلاب «زن، زندگی، آزادی» و با انزوای بین‌المللی به‌شدت سراسیمه شده است و به‌همین دلیل کارشناسان سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی، همواره به‌دنبال راهکارهایی هستند که برای مدت کوتاهی شده خود را از خطر سرنگونی یا فروپاشی برهانند. شاید یکی از این راهکارها، آغاز یک جنگ محدود و کوتاه باشد تا جمهوری اسلامی افکار عمومی داخلی و هم منطقه‌ای و جهانی را به این مسئله جلب کند تا بتواند جنبش انقلابی جاری در کشور را با خشونت بیش‌تر سرکوب کند؛ راهکاری خطرناک و خانمان‌برانداز. شاید هم نزدیکی بیش از پیش جمهوری اسلامی به چین و روسیه و ادامه جنگ روسیه و اوکراین و هم‌چنین اکنون با عادی‌سازی روابط خود با عربستان با میانجی‌گری چین، به فکر چنین ماجراجویی خطرناکی باشد.

حال باید منتظر بمانیم و ببینیم باز هم جمهوری اسلامی چه سناریوی سیاهی را رو خواهد کرد. آنچه که می‌تواند به‌معنای واقعی جلو زیاده‌روی‌ها و سناریوهای سیاه جمهوری اسلامی بگیرد تشدید اعتراضات خیابانی هم‌زمان با اعتصاب عمومی در محیط‌های کاری توسط کارگران، کارمندان ادارات، دانشجویان دانشگاه‌ها، دانش‌آموزان مدارس با حمایت معلمان و والدین آنها؛ همین راهکار مردمی و انقلابی هم می‌تواند هم مانع ماجراجویی‌های خشونت‌طلبانه، جنگ‌طلبانه و گستاخانه جمهوری اسلامی شود و هم با ارتقا مرحله انقلاب به سطح عالی‌تری، توازن قوای سیاسی و اجتماعی موجود را به‌نفع انقلابیون تغییر دهد و هرچه بیش‌تر زمینه را برای سرنگونی جمهوری اسلامی مساعدتر سازد!

جمهوری آذربایجان، یک کشور کاملاً دموکراتیک نیست، اما بدون شک، تشکیل یک حکومت اسلامی در باکو نظیر آنچه اکنون در ایران یا افغانستان دیده می‌شود، همین آزادی‌های فردی، جمعی و مدنی موجود در جمهوری آذربایجان را نیز از بین خواهد برد.

شنبه نوزدهم فروردین ۱۴۰۲-هشتم آوریل ۲۰۲۳